

The Studying and Analysis the Decree of Dissection According to Shiite Jurisprudence Viewpoint with Approach to Imam Khomeini's View

Namazifar H., Ph.D.* , Ghorbani F., M.A.

** P.O.BOX: 34149 – 16818, Qazvin-Imam khomeini-interntional university, Iran*

Abstract

Following the development of medical science new problems have emerged in this discipline that such as miscarriage, change of sexuality, dissection, artificial insemination, and selling blood. Muslim physicians are interested to know the religious decrees of these issues.

This paper is an attempt to study the issue of dissection. According to Shiah jurisprudents, dissection was illegal in its earlier decree, for dissection undermines the reverence of a corpse. But according to the secondary decree, it is lawful in certain cases. By virtue of jurisprudents, decree it is obligatory to maintain the reverence of a corpse, at the same time, the rescue of man's life is also obligatory. Considering the aforesaid conflict the rescue of man's life is more important. In this paper the legality of dissection will be discussed.

Key words: Dissection, Mutilate, Cut, Blood money, Dead Corpse, Organ

بررسی و تحلیل حکم تشریح از دیدگاه فقه شیعه با رویکردی بر دیدگاه امام خمینی (ره)

حسین نمازی فر. Ph.D.*، فتح‌الله قربانی. M.A.*

* گروه فقه و حقوق دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

تاریخ دریافت: آذرماه ۸۹، تاریخ پذیرش: اسفندماه ۸۹

چکیده

با رشد و گسترش چشم‌گیر دانش پزشکی، شاهد پیدایش مسایل جدیدی در حوزه علوم پزشکی هستیم، از جمله این عناوین پیوند اعضا، سقط جنین، تغییر جنسیت، تشریح جسد، تلقیح مصنوعی و خرید خون است. دانستن احکام این عناوین مورد توجه مردم مسلمان و پزشکان دین مدار است.

در این مقاله حکم تشریح مورد تعمق و بررسی قرار می‌گیرد، طبق نظر فقهای شیعه حکم اولیه تشریح حرمت است. به دلیل اینکه تشریح موجب هتک حرمت میت است اما بنابه حکم ثانویه تشریح در مواردی جایز است، ب نابر نظر فقها حفظ حرمت میت واجب است ولی از سوی دیگر نجات جان انسان نیز واجب است و این دو باهم در تضامند. در نهایت در مقام تراحم ترجیح با مهم‌تر است که در اینجا نجات جان انسان مقدم بر حرمت تشریح است، در مطالعه حاضر حرمت و جواز تشریح تحلیل و بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: تشریح، مثله، قطع، دیه، میت، عضو

مقدمه

آنها باشد، به آن تشریح تفصیلی گویند [۱]. با توجه به اهمیت موضوع تشریح به عنوان یک ضرورت زندگی نوین امروزی، لازمست احکام فقهی و حقوقی مربوط به این موضوع از ابعاد مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد تا از این طریق محدوده جواز تشریح مشخص شده و اصل حرمت نفوس انسانی بدون دلیل مخدوش نشود.

فقها نیز به‌طور پراکنده در کتب فقهی به این مسئله اشاراتی داشته‌اند، از جمله در مورد قطع سر میت که فقها در این زمینه به شرح زیر نظرانی بیان داشته‌اند:

سید مرتضی در الانتصار گفته است: «قطع سر میت ۱۰۰ دینار دیه دارد، لکن بقیه فقها با این مسئله مخالفت

علم تشریح یکی از دستاوردهای مهم علم طب به شمار می‌رود و از قدمت طولانی برخوردار است.

این دانش ستون و اساس دانش پزشکی جدید را تشکیل می‌دهد. در دنیای کنونی در علم پزشکی، موضوع تشریح به چند دسته تقسیم می‌شود: در صورتی که برای تشخیص بیماری مریض، پس از فوتش، بدنش را کالبد شکافی نمایند، اصطلاحاً به این نوع تشریح، تشریح مرضی گفته می‌شود و در صورتی که هدف از تشریح دانستن کلیات اعضا و بافت‌ها و عناصر اولیه بدن باشد، این تشریح از دیدگاه علم تشریح، تشریح عمومی نام دارد و در نهایت اگر هدف از تشریح شناخت جزء جزء اعضا و اسامی و اشکال و روابط آنها با هم و همچنین شناخت بافت و ظاهر و باطن و خصوصیات

آدرس مکاتبه: قزوین، نوروزیان، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، گروه فقه و حقوق
E-mail: hajfatolah2009@gmail.com

کرده‌اند» [۲ و ۳].

شکافی [۱].

ادله حرمت تشریح؛ نقد و بررسی آن‌ها

الف: تشریح موجب مثله کردن میت است و مثله کردن بنا به نص روایات معصومین (ع) حرام است.

روایاتی که مثله کردن را نهی می‌کنند بدین قرارند:

۱- صحیح‌ه جمیل بن دراج عن ابی عبدالله (ع) قال: کان رسول الله (ص) إذا بعث سربیه دعا بأمرها فأجلسه ألی جنبه و أجلس أصحاب بین یدیه ثم قال: سیروا بسم الله و بالله و فی سبیل الله و علی مله رسول الله (ص) «لا تغدروا، و لا تلعوا، و لا تمّتلوا، و لا تقطوا شجره إلا أن تضطروا إلیها، و لا تقتلوا شیخاً فانیاً، و لا صبیباً و لا امرأة» [۱۷].

جمیل بن دراج از امام صادق (ع) روایت می‌کند که ایشان فرموده‌اند: رسول خدا (ص) هنگام عزیمت لشگریانش به کارزار جهاد و نبرد می‌فرمود: با نام ویاری خدا و در راه او و بر شیوه پیامبر خدا حرکت کنید، شیخون نکنید، از مثله کردن بپرهیزید، مگر به کار نبرید، سالخورده‌گان، بچه‌ها و زنان را رها بگذارید.

۲- سفارش علی علیه السلام به فرزندان بزرگوارش (حسنین) در مورد قصاص ابن ملجم انضروا إذا أنا مت من ضربته هذه فأضربوه ضربه بضربه و لا تمثلوا بالرجل فإنی سمعت رسول الله (ص) یقول: «ولا تمثلوا ایاکم و المثلثه ولو بالکلب العقور» [۱۸]، بنگرید، اگر من بر اثر ضربت او از دنیا رفتم، در عوض یک ضربه به او بزنید، بپرهیزید از اینکه او را مثله بنماید، زیرا از رسول خدا (ص) در این باره شنیده‌ام که فرمود: از مثله کردن بپرهیزید هر چند سگ هار باشد.

۳- تأکید امیر مؤمنان (ع) به یارانش در جنگ صفین «ولا تمثلوا بقتیل» [۱۷ و ۱۹].

در این روایات از مثله کردن اجساد کفار نهی شده است و با توجه به اینکه تشریح مانند مثله کردن است، زیرا در مثله کردن اعضای بدن مثل گوش، بینی، پا و دست قطع می‌شوند؛ در تشریح نیز همین امر صادق است، تشریح میت مسلمان نیز مصداق مثله

صاحب شرایع الاسلام بیان می‌کند که قطع سر میت مسلمان ۱۰۰ دینار دیه دارد و در مورد سایر اعضای او به تناسب جنایت محاسبه می‌شود [۴]. شهید ثانی در مسالک الافهام فرموده است که این فتوا در بین فقها مشهور است و مستندات فرآوانی دارد [۵ و ۶].

شیخ طوسی در این زمینه مقرر می‌دارد: اگر شخصی سر میت یا عضوی از وی را که در صورت زنده بودن دیه کامل دارد قطع نماید، باید صد دینار پرداخت نماید که معادل دیه جنین است. همچنین در مورد هر آسیبی که به میت برساند که نسبت به انسان زنده دیه و ارش معینی دارد، باید غرامت پرداخت کند، هیچ یک از فقهای اهل سنت، در این حکم با فقهای شیعه موافق نبوده و حکم به وجوب دیه نداده‌اند، از دیدگاه شیعه این دیه متعلق به میت است و این دیه را به نیت او باید صدقه داد [۶].

همچنین ابوالکارم ابن زهره حلبی در «الغنیه» از دیدگاه شیخ طوسی تبعیت نموده و جنایت بر مرده را حرام دانسته و پرداخت دیه را واجب می‌دانند. [۷].

تشریح در لغت و اصطلاح

واژه تشریح از «شَرَحَ یَشْرِحُ»، در لغت به معنای شکافتن گوشت و استخوان آمده است. [۸-۱۳]

تشریح در اصطلاح فقهی به معنای عمل جداسازی اعضای بدن و شکافتن جسد میت جهت تعلیم و تحقیقات پزشکی، کشف جرایم، کشف علل بیماری‌های ناشناخته و دستیابی به شیوه درمان بیماران است. [۱۴-۱۶]

در اصطلاح پزشکی تشریح یعنی: بیان نمودن حقایق و اشکال درونی و بیرونی و شمار استخوان‌ها و بیان نمودن محل پیوند هر عضو و بیان رگ‌ها و عصبها [۱]. یا در تعریفی دیگر این گونه بیان شده است: تشریح یعنی باز شناختن اعضا و جوارح کالبد انسان یا حیوان از راه شکافتن بدن، تشریح یا کالبد

أشد من قطع رأس الحی» [۱۷].

در روایت صحیحه جمیل از ابی عبدالله (ع) آمده است که قطع نمودن سر میت جرمی شدیدتر دارد نسبت به بریدن سر انسان زنده.

۳- روایت محمد بن مسلم عن ابی جعفر (ع): «إن الله حرم من المومنین أمواتاً ما حرم منهم احياء» [۱۷].

آیت الله مکارم در این مورد می‌گوید: اجساد مردگان به مثابه سنگ‌های پراکنده نیست که در صحرا و بیابان افتاده باشند بلکه آنها محترم هستند. همچنان که این اجساد در حال زندگی هم دارای احترام هستند [۱۴].

در نقد این دلیل می‌توان گفت: اگر اعضای مرده به نحو منطقی و بر این اساس که هدفی والای در پی است جدا شود، نمی‌توان گفت که به ایشان هتک حرمت شده است، مانند اینکه پزشک کسی را جراحی می‌نماید و هدفش از شکافتن بدن وی معالجه و درمان است، در اینجا نمی‌توان گفت که ایشان مورد هتک حرمت واقع شده است.

هتک حرمت از عناوینی است که محتاج قصد و نیت است. بنابراین اگر کسی هدفش از شکافتن بدن میت بی‌دلیل باشد یا هدفی واهی داشته باشد، در اینجا میت مورد هتک قرار گرفته، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگر هدف و نیت از تشریح، نجات جان مسلمانان باشد، دیگر در زمره هتک حرمت قرار ندارد.

ج- تشریح موجب تأخیر دفن میت است

با توجه به اینکه دفن سریع میت واجب و از مسلمات احکام اسلامی است، تشریح موجب تأخیر دفن میت در اولین فرصت است و بر این مهم روایات فراوانی دلالت دارد از جمله:

۱- روایت سکونی عن ابی عبدالله (ع) «قال رسول الله إذا مات الميت أول النهار فلا یقیل إلا فی قبره» امام صادق فرمود: رسول الله (ص) فرمودند هر گاه کسی در اول روز فوت کرد چیزی غیر از فراهم کردن قبرش گفته نشود [۱۷].

۲- روایت جابر بن یزید الجعفی عن ابی جعفر (ع) قال: «قال

کردن اجساد کفار است و با توجه به اینکه نهی دلالت بر حرمت دارد، بر این اساس تشریح میت مسلمان حرام است [۳].

صاحب جواهر نیز معتقدند که حکم تشریح مانند حکم مثله کردن میت است بلکه گاهی اوقات تشریح از مثله کردن بدتر است و برای حرمت تشریح ادعای اجماع کرده است [۶].

اما به این دلیل می‌توان این گونه اشکال گرفت که تشریح مصداق مثله کردن نیست، زیرا هدف از مثله کردن عداوت و انتقام جویی است اما هدف از تشریح نجات جان مسلمان و اهداف عالی دیگر است، بنابراین نمی‌توان گفت ادله حرمت مثله کردن شامل حکم تشریح هم می‌شود.

در فرهنگ‌های لغت نیز تشریح را به معنای متفاوت از مثله کردن معنا نموده‌اند، معنای لغوی مثله کردن قطع کردن اعضای دیگران از روی نفرت و دشمنی و برای انتقام است، لکن معنای لغوی تشریح بریدن اعضای کسی برای جان انسانی است [۲۰].

ب- تشریح موجب هتک حرمت میت می‌شود.

یکی از حقوق مسلم انسان این است که اگر کسی به او متعرض شود و عضوی را از او قطع یا زخمی نماید بر او قصاص و دیه واجب می‌شود. این حق همچنین بعد از حیات او جاری و ساری است به دلیل «اصل ثبوت حق»، این اصل به این مهم دلالت می‌کند که حقوقی که باریتعالی برای او در هنگام حیاتش جعل کرده بعد از حیاتش نیز جاری و نافذ است و باید رعایت شود [۳]. در زیر به روایاتی که به این مهم دلالت دارد اشاره می‌شود:

۱- صحیحه عبدالله بن سنان عن ابی عبدالله (ع) «فی رجل قطع رأس الميت، قال: علیه الدیة لأن حرمة میتاً کحرمة وهو حی» [۱۷].

از امام صادق (ع) درباره کسی که سر مرده‌ای را قطع کرد سؤال شد، امام در جواب فرمودند: به سبب اینکه مرده و زنده در مذهب ما قابل احترام هستند لذا بر اوست پرداخت غرامت..

۲- صحیحه جمیل عن ابی عبدالله (ع) «قطع رأس الميت

گرفت نه وجوب را، شیخ صدوق روایت مرسلی در «من لا یحضره الفقیه» از قول رسول خدا (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: لازمه احترام به مرده سرعت در تجهیز اوست («حر عاملی، پیشین، ج ۶۷۶۲ باب ۴۷ از ابواب احتضار ح ۷») که از این روایت وجوب تعجیل ظاهر نیست بلکه می توان گفت حداقل دلالت براستحباب تعجیل دارد، همچنین می توان گفت که اگر به تأخیر انداختن خاکسپاری میت، موجب اهانت به اوست، این امر حرام است، به علاوه اینکه تکریم میت به هر شکلی واجب نیست، بلکه کافی است میت مورد اهانت و تحقیر قرار نگیرد. [۳].

بنابراین اگر در این مقام بخواهیم به یک نتیجه منطقی برسیم باید بگوییم که: این دست از روایات دلالتی بر مدعای ما ندارند، و لذا نمی توان به طور مطلق گفت که هر گونه تأخیری در دفن میت موجب إذلال و هتک حرمت او می شود.

همچنین از فحواى ماده ۴۹۴ قانون مجازات اسلامى که مقرر می دارد: "دیه جنایتی که بر مرده مسلمان واقع می شود به ترتیب زیر است: الف) بریدن سر یکصد دینار، ب) بریدن هر دو دست یا هر دو پا یکصد دینار و بریدن یک دست یا یک پا پنجاه دینار و بریدن یک انگشت از دست یا یک انگشت از پا ده دینار و قطع یا نقص سایر اعضا و جوارح به همین نسبت ملحوظ می گردد." می توان عدم جواز تشریح را استنباط کرد [۲۱].

جواز تشریح و دلیل آن

قائلین به جواز تشریح با استناد به روایت زیر به نحو موجهه جزئیة، تشریح را در موارد خاصی جایز دانسته اند:

روایت مرسله، وهب بن وهب الذی رواه الکلینی والشیخ قدس سرهما عن أبی عبدالله (ع) قال: «قال امیر المؤمنین (ع) إذا ماتت المرأة و فی بطنها ولد یتحرک فیتخوف علیه فشق بطنها و أخرج الولد، وقال فی المرأة یموت ولدها فی بطنها فیتخوف علیها قال: لا بأس أن یدخل الرجل یده فیقطعها و یخرجه إذا لم یرفق به النساء [۲۲ و ۲۳ و ۱۷]. وهب بن وهب از مرحوم

رسول الله (ص): یا معشر الناس لا ألقین (القیین) رجلاً مات له میت لیلاً فانتظر به الصبح و لا رجلاً مات له میت نهراً فانتظر به اللیل، لا تنتظروا بموتکم طلوع الشمس و لا غروبها، عجلوا بهم إلی مضاجعهم، یرحمکم الله - قال الناس: و أنت یا رسول الله یرحمک الله» [۱۷].

۳- امام باقر (ع) روایت می نمایند رسول خدا (ص) فرمودند: ای مسلمانان اگر مردی از میان شما در شب یا روز خویشاوندی از او بدرود حیات می گوید وی را یاری رسانید و نگذارید که جنازه در دست او باقی بماند و اینکه وی منتظر فرصتی دیگر جهت تدفین خویشاوندش شود، شتاب در دفن او نمایید، زیرا شتاب در این امر رحمت و غفران الهی را به دنبال دارد.

روایت صحیحه علی بن جعفر (ع) «علی بن جعفر أنه سأل أخاه موسى بن جعفر (ع) عن الرجل يأكله السبع أو الطير فتبقى عظامه بغیر لحم کیف یصنع به؟ قال: یغسل و یکفن و یصلی علیه و یدفن» [۱۷].

علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر (ع) در مورد حکم استخوان های به جا مانده کسی که لاش خورها یا درندگان، گوشت بدنش را خورده اند پرسید؟ امام فرمود: استخوان های او غسل می شود سپس کفن بر او پوشید می شود و نماز بر او خوانده می شود و دفن می شود.

۴- روایت مرسل البرقی عن أبی عبدالله (ع) «إذا وجد الرجل قتیلاً؛ فإن وجد له عضو تامّ صلی علیه و دفن و إن لم یوجد له عضو تامّ لم یصل علیه و دفن» [۱۷].

برقی از قول امام صادق روایت می کند: اگر مرد کشته شده ای یافت شود که عضو سالم و کاملی دارد بر او نماز خوانده می شود و دفن می شود، در غیر این صورت او دفن می شود. نتیجه دلالتی که می توان از این دست روایات گرفت این است که با استناد به آنها بگوییم تأخیر در دفن میت به هیچ وجه روا نیست، البته این روایاتی که به آنها استناد شد یا دچار ضعف هستند یا مرسله و اگر سند آنها را در نظر نگیریم، فقط می توان از آنها مستحب بودن تعجیل در خاک سپاری میت را نتیجه

جهت کسب رضایت آنان بدون اشکال است. همچنین أخذ این مبلغ از جانب صاحب جسد بلا اشکال است. [۱۴ و ۲۴].

آیت الله نوری همدانی معتقد است جواز فروش تمام جسم برای تشریح در مواردی که تشریح جایز است، بعید به نظر نمی‌رسد و گرفتن مبلغی برای دادن اجازه این موضوع نیز مانعی ندارد [۲۶].

آیت الله مکارم در این زمینه می‌گوید: اگر حفظ جان انسان زنده‌ای متوقف بر تشریح باشد، این نوع تشریح جایز است ولی در صورتی که هدف از تشریح میت مشاهده عظمت خدا باشد جایز نیست [۱۴].

آیت الله نوری همدانی می‌گوید: اگر حفظ جان مسلمانی یا جمعی از مسلمانان متوقف بر تشریح و پاره کردن بدن انسان باشد، لازم است این کار در صورت امکان روی بدن غیر مسلمان انجام بگیرد و در صورتی که تشریح بدن غیر مسلمان ممکن نباشد، تشریح بدن مسلمان جایز است و چون انجام این گونه اعمال باید با نظر فقیه و با برنامه صورت بگیرد لازم است دیه بدن آن میت از بیت‌المال پرداخته شود [۲۶].

صاحب کتاب الفقه و المسائل الطیبه می‌گوید: هرگاه حیات و زندگی مسلمان زنده متوقف بر تشریح باشد، جایز و بلکه واجب است [۱۵ و ۳۰-۲۷].

همچنین در مورد تشریح زن فقها بر این نظرند که این عمل باید با تمام ملاحظات شرعی انجام گیرد، بدین صورت که تشریح را یا یک زن انجام دهد یا محرم او [۲۸].

صاحب الفتاوی و اضحه می‌گوید: "اگر بچه در شکم مادر بمیرد باید بیرون آید در صورتی که برای حیات او مشکل ایجاد کند." ایشان اصل تشریح را حرام می‌داند ولی در چند مورد آنرا جایز می‌داند [۳۱].

همچنین اگر کشف مرضی متوقف بر تشریح باشد، تشریح جایز و رواست [۳].

۲- تشریح جسد برای آموزش و تعلیم باشد

شکی نیست که تشریح اثر شایانی در شناخت اعضای بدن

کلینی و شیخ حر عاملی روایت می‌کند که امام صادق (ع) فرمود: امام علی (ع) فرمودند: زنی که می‌میرد در حالی که در رحم او نوزادی است و این امکان وجود دارد که او نیز بمیرد باید شکم زن شکافته شود و طفل خارج گردد همچنین اگر نوزادی در رحم مادرش بمیرد و امکان مرگ مادر برود، در صورتی که وجود زنان متعذر گردد شوهرش می‌تواند کودک را قطعه قطعه از رحم مادر خارج سازد.

امام خمینی (ره) حکم تشریح را در سه صورت جایز می‌داند: «۱- مقصود از تشریح یا گرفتن و تکمیل اطلاعات طبی برای نجات جان مسلمانان بوده باشد و بدون تشریح این مقصود حاصل نشود.

۲- دسترسی به مرده غیر مسلمان نباشد.

۳- به مقدار ضرورت و احتیاج قناعت کند و اضافه بر آن جایز نیست با چنین شرایطی تشریح جایز بلکه واجب است، اما در مورد مرده غیر مسلمان این شروط لازم نیست.» [۲۴].

اما مواردی که فقها اتفاق دارند، حکم تشریح جایز است بدین قرارند:

۱- تشریح برای حفظ جان انسان زنده باشد

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: اگر توقف داشته باشد حفظ جان مسلمان یا عده‌ای از مسلمانان بر تشریح و امکان تشریح غیر مسلمان وجود نداشته باشد جایز است، و در صورتی که تشریح به هدفی غیر از نجات دادن مسلمان باشد، جایز نیست و موجب دیه است ولی رعایت احترام جسد مسلمان تا آنجا که ممکن است لازم است و بعد از تشریح لازم است قطعات جسد را دفن کنند [۲۴].

ایشان در تحریر الوسیله می‌افزایند: چنانچه زنده ماندن فردی متوقف بر تشریح و تقطیع اعضای مرده باشد، بدون شک این عمل جایز و بلکه واجب است [۲۵].

امام خمینی (ره) و آیت الله مکارم شیرازی بر این عقیده اند که در صورتی که حفظ جان جامعه انسانی منوط به انجام تشریح بر روی اجساد باشد، پرداخت مبلغی پول به صاحبان اجساد،

را تهدید می‌کند منوط به آن باشد، تشریح جسد میت اشکال ندارد ولی واجب است تا حد امکان از جسد میت مسلمان استفاده نشود و اجزایی هم که از جسد فرد مسلمان جدا شده‌اند در صورتی که دفن آنها با جسد، حرج یا محذوری نداشته باشد واجب است با خود جسد دفن شود و إلا دفن آن‌ها به طور جداگانه یا با جسد میت دیگر جایز است [۱۵]. ایشان همچنین کشف مسایل جدید در علم طب را مستلزم دست‌یابی به قلب و عروق افرادی دانستند که از دنیا رفته‌اند تا معاینه و آزمایش رروی آنها انجام شود [۱۵].

عده‌ای دیگر از فقها معتقدند صرف آموزش در صورتی که حیات مسلمانی به آن متوقف نباشد، جایز نیست و باعث نمی‌شود تشریح جایز شود [۳۳، ۲۸، ۲۵، ۳۴ و ۱۶].

۳- تشریح برای تشخیص جرم یا توطئه باشد

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌فرماید: "اگر تشریح برای تحقیق در علت مرگ در صورت مشکوک بودن، مانند شک در اینکه میت بر اثر سم مرده یا خفگی یا غیر آن، در صورتی که کشف حقیقت متوقف بر آن باشد اشکال ندارد" [۱۵ و ۲۴].

از سوی دیگر؛ بسیاری از حوادث و مرگ‌ها هستند که مشکوک به شمار می‌روند و اشخاصی متهم به قتل می‌شوند و بعد از کالبد شکافی و تشریح مشخص می‌شود که قاتل چه کسی بوده، ولی صرف متهم بودن کسی به قتل باعث جواز تشریح نمی‌شود، زیرا این امر موجب هتک حرمت و تأخیر در تدفین میت می‌شود، بلکه این خانواده مجنی علیه هستند که در خواست کشف حقیقت می‌نمایند و بدین سبب تشریح جایز می‌شود [۳۵ و ۳۰].

چنانچه شخصی توسط سلاح یکی از دو فرد مختلف کشته شده باشد و معلوم نباشد اسلحه کدامیک به او شلیک شده باشد و تیر در بدن او باشد، در صورتی که جسد او را بشکافند و تیر را در آورند، مشخص می‌شود تیر از اسلحه کدام شخص به او شلیک شده است [۳].

دارد به گونه‌ای که این علم از مقدمات علم طب به شمار می‌رود (مقدمه واجب) که مریضان را از مرگ و هلاکت نجات می‌دهد که شناخت بدن موجب نجات مریضان می‌شود [۱۴].

امام خمینی می‌فرماید: "اگر ممکن باشد تشریح غیر مسلمان جایز نیست تشریح مسلمان برای یادگیری مطالب طبی اگر چه متوقف باشد حفظ جان مسلمانی یا عده‌ای از مسلمانان بر تشریح، و اگر با امکان تشریح غیرمسلمان کنند معصیت کار، و بر آنها دیه است" [۲۴].

ایشان در مورد تشریح جسد جنین می‌گویند: "تشریح جنین سقط شده در تمامی مراحل عمرش برای دست‌یابی به اطلاعاتی در علم بافت شناسی، با توجه به اینکه وجود درس تشریح در دانشکده پزشکی ضروری است، اگر نجات جان نفس محترمی یا کشف مطالب پزشکی جدیدی که جامعه به آن نیازمند است یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به یک بیماری که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به تشریح جنین سقط شده باشد، جایز است ولی سزاوار است که تا حد امکان از جنین سقط شده متعلق به مسلمان یا محکوم به اسلام استفاده نشود [۱۵ و ۲۴].

اگر آموزش علم طب متوقف بر تشریح جسد انسان باشد جایز است [۱۴ و ۳۱].

هرگاه حیات و زندگی مسلمان زنده متوقف بر تشریح باشد جایز است ولی دادن دیه واجب است [۲۷ و ۳۲].

آیت‌الله نوری همدانی معتقدند: برای یادگرفتن مطالب تشریحی و طبی تشریح، پاره کردن بدن انسان جایز نیست ولی اگر حفظ جان مسلمانان یا جمعی از مسلمانان متوقف بر تشریح و پاره کردن بدن انسان باشد، لازم است این کار در صورت امکان روی بدن غیر مسلمان انجام بگیرد و در صورتی که تشریح بدن غیر مسلمان ممکن نباشد، تشریح بدن مسلمان جایز است [۲۶].

آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: "اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب جدید علم پزشکی که مورد نیاز جامعه است یا دست‌یابی به اطلاعاتی راجع به بیماری که زندگی مردم

امام خمینی در این باره می‌فرماید: «به نظر می‌رسد که شخص می‌تواند در حدودی که تشریح مجاز است وصیت کند که جسد او را برای تشریح در اختیار دانشکده پزشکی بگذارد، زیرا این وصیت بر خلاف قواعد آمره نیست و انگهی دارای فایده اجتماعی است [۲۵]

اما با استناد به روایت موثقه ابی بصیر که از امام صادق روایت می‌کند "إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَوْضَ إِلَى الْمُؤْمِنِينَ كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا إِذْلالَ نَفْسِهِ [۱۷]، امام صادق می‌فرماید: خداوند تبارک و تعالی اجازة هر چیزی را داد مگر خوار شمردن جان و جسمش. می‌توان گفت: نظریات فوق خالی از اشکال نیستند. همچنین حدیث سماعه از قول امام صادق که می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَوْضَ إِلَى مُؤْمِنٍ أَمْرَهَا كُلَّهَا وَ لَمْ يَفُوضْ إِلَيْهِ إِلَّا يَذَلَّ نَفْسَهُ» [۱۷].

نحوه دلالت این حدیث این گونه است که چون تشریح موجب اهانت و خوار شمردن جسم مسلمان است پس به دلیل نص روایت تشریح محکوم به حرمت است. اما این استدلال نادرست است زیرا اِذْن به تشریح برای هدفی متعالی و والا بوده و مصداق اذلال و خواری نمی‌باشد [۳]. بنابراین روایت امام صادق می‌تواند گفت عمل به این وصیت واجب است. گروهی از فقها این نوع وصیت را جایز می‌دانند [۲۹]. آیت‌الله مکارم شیرازی عمل کردن بر اثر ضرورت را شرط می‌دانند، یعنی ضرورتی باشد [۱۴]. عده‌ای وصیت را جایز دانسته ولی معتقدند حرمت تشریح کما کان باقی است [۳].

۵- ولی فقیه مصلحت را در تشریح جسد بداند

عده‌ای از فقها بر این نظرند که حاکم جامعه اسلامی با صلاح دید خود می‌تواند حکم به تشریح میت مسلمان دهد، اما شرایطی را به شرح ذیل مد نظر قرار داده‌اند:

- ۱- در صورتی که بر این تشریح هدف والایی نهفته شده باشد.
- ۲- مصلحت عموم را در پی داشته باشد [۳].

آیت‌الله مکارم در این زمینه می‌گوید: "اگر تشریح برای شناسایی جنایت و کشف جرم باشد و بر این کشف احقاق حقوقی مترتب شود، تشریح واجب شرعی است" [۱۴]. همچنین است اگر مرگ شخصی مشکوک باشد و همچنین شیوه مرگ او نزد مردم مشکوک و مخفی باشد، از طرفی اهل خانواده او ادعا کنند که او توسط سم کشته شده و به طور طبیعی از دنیا نرفته، برای آگاهی به نوع مرگ و اینکه مشخص شود او به چه سببی از دنیا رفته راهی جز تشریح باقی نمی‌ماند [۳۲]. از سوی عده‌ای دیگر از فقها معتقدند که تشریح برای نجات افراد متهم به قتل یا شناخت قاتل جایز نیست مگر اینکه میت کافر باشد، زیرا این گروه از فقها معتقدند که تشریح میت مسلمان موجب هتک حرمت و تأخیر دفن او می‌شود [۲۹ و ۲۸].

۴- تشریح برای عمل به وصیت میت باشد

واضح است که انسان در طول حیاتش می‌تواند هر گونه تصرفی در جسمش انجام دهد. در صورتی که مصلحت در آن باشد و در صورتی که در این زمینه بر او نهی وارد نشده باشد، مانند قتل نفس که بنابر قاعده «لَا ضَرَرَ وَ لَا ضِرَارَ» این امر باطل و نادرست است، اما در غیر این موارد دلیلی بر حرمتش نیست، حال اگر انسان با جسم و بدن خود در طول زندگی کاری کند که غیر از قتل نفس است، در جواز این کار بعد از حیات وی هیچ منعی وجود ندارد [۳]، حال اگر انسانی وصیت کند که جسمش را بعد از مرگش در اختیار مراکز پزشکی قرار دهند، تا از آن جسم برای آموزش و تعلیم استفاده شود، عمل به وصیت او جایز است [۳] و روایت تأیید کننده این دیدگاه است.

روایت امام باقر(ع) "الْوَصِيَّةُ حَقٌّ وَقَدْ أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَيَنْبَغِي لِلْمُسْلِمِ أَنْ يَوْصِيَ" [۱۷]. وصیت حق است و رسول خدا (ص) نیز وصیت فرمود، پس سزاوار است که مسلمان وصیت کند. بنابراین وصیت کننده نه تنها دارای این اختیار است که در دنیا بر مال و جان تسلط داشته بلکه بعد از فوت نیز وصایای او نافذ است [۱۷].

دارد ولی تشریح مرده غیرمسلمان جایز بوده و دیده ندارد. [۲۹].
آیت الله سید عبد الأعلى سبزواری معتقد است که تشریح میت مسلمان به هر هدفی که باشد حرام است و اگر این کار صورت گیرد دیده دارد» [۲۸] همچنین آیت الله سیستانی نیز این عقیده را دارند [۳۴].

دانستن و فراگیری دانش پزشکی واجب کفایی است، با توجه به اینکه مقدمه عمل واجب، واجب است. تشریح به عنوان مقدمه عمل واجب به شمار می‌رود. علم تشریح یکی از مهم‌ترین دستاوردهای علم طب به شمار می‌رود، هدف از این علم طبق دیدگاه علما، طب کشف امراض، شناخت بیماری، و روش درمان آن‌ها است، علم تشریح همچنین به کمک مسایل و امور جزایی و حقوقی آمده و در جای که احقاق حقی منوط به تشریح است بسیار کارایی دارد، مانند اینکه کسی به طور مشکوک فوت نموده و خانواده‌اش برای کشف واقعیت از مراجع قانونی و قضایی درخواست کالبد شکافی می‌کنند، یا اینکه شخص بی‌گناهی متهم به قتل می‌شود که از طریق تشریح می‌توان به حقیقت پی برد.

با بررسی حکم تشریح دانستیم که عده‌ای از فقها قایل به تحریم تشریح شده و بر آن ادله اقامه نموده‌اند، عده‌ای نیز در بعضی موارد و با تحقق شرایطی خاص، تشریح را جایز دانسته‌اند از جمله این شرایط عبارتست از: در صورتی که تشریح برای گسترش و تعلیم این علم باشد یا هدف از آن نجات جان مسلمان باشد، همچنین با توجه به اینکه تشریح کمک شایانی به پیشرفت علم پزشکی نموده، از دیدگاه فقه و فقها نمی‌توان به حکم اولیه تشریح ملتزم شد، زیرا همیشه باید برای رسیدن به هدفی بالاتر، هدف پایین‌تر را کنار گذاشت و فدای هدف بالاتر نمود و آن وقت است که همگان متفق القول می‌شوند که باید جسد بی‌جان میت در برابر این همه ثمرات به تیغ تشریح سپرد شود تا مورد استفاده مراکز پزشکی و تحقیقاتی قرار گیرد.

نتیجه کلی که می‌توان از این بحث گرفت، این است که هیچ یک از فقها قایل به جواز تشریح به صورت مطلق نیستند.

۶- تشریح برای به دست آوردن مال دیگری باشد

در صورتی که شخصی طلا یا شی گرانبه را به زور از دست صاحبش بگیرد و آنرا ببلعد، در اینکه بتوان بدن وی را شکافت و آن شی را بیرون آورد، در بین فقهای شیعه مشهور است که نمی‌توان بدن او را شکافت [۱۴]. از میان مذاهب اهل سنت، فقهای شافعی معتقدند که برای بیرون آوردن مال غیر می‌توان بدن وی را شکافت [۳۷].

طبق نظر فقها و مراجع تقلید معاصر، تشریح جسد بی‌جان مسلمان جایز نیست، امام در رساله توضیح المسایل خود می‌نویسد: "تشریح بدن میت کافر از هر صنفی که باشد، در صورتی که در زمان حیاتش خونش محترم نباشد جایز است، لیکن اگر کافر نیست، نباید بدن او را تشریح کرد، البته اگر تشریح مرده در شریعت او جایز باشد، چه به طور مطلق و چه آنکه در زمان حیاتش اجازه داده باشد یا آنکه بعد از مرگش ولی او اجازه داده باشد، در این صورت بعید نیست که تشریح بدن او جایز است" [۲۴].

آیت الله مکارم شیرازی در این زمینه می‌گوید: در حرمت تشریح بدن مسلمان بعد از مرگش شک و تردیدی نیست [۱۴ و ۳۵].

آیت الله نوری همدانی معتقد است؛ از آنجا که مسلمان چه زنده و مرده دارای احترام بسیاری است تشریح جسد مسلمان (پاره پاره کردن اعضای او) در صورتی که هدف از آن جان مسلمان نباشد و به منظور یاد گرفتن مطالب تشریحی و طبی جایز نیست، زیرا تشریح موجب می‌شود قسمت‌های از بدن میت زیر دست و پا بریزد یا اینکه جسدش مورد استخفاف قرار گیرد [۲۶].

امام خمینی در تحریر الوسیله می‌نویسد: "تشریح بدن میت مسلمان جایز نیست و اگر کسی این کار را انجام دهد، دیده بر او واجب است" [۲۵ و ۳۶].

آیت الله گلپایگانی اظهار می‌دارد: "تشریح مرده مسلمان حرام است، اگر چه برای یاد گرفتن باشد و قطع اعضای آن دیده

References

1. **Liden.** Islamic encyclopedia, Beirut, D Dar Al-Marefeh Publication 1999; 5:260.
2. **Alam al Hoda SM.** Al Entesar Ali Ebne Hossein Mousavi , Printed in aljavameh Alfaghiheh Jahan Publication: 272.
3. **Ghomi MM.** Kalamat Sadidat fi Masaeleljadideh, Ghom, Islamic publication Institution, 1st Edition 1984: 130-2.
4. **Helli M.** Sharayol eslam Fi Masaelel halal and Al Haram- Tehranm Esteghlal Publication, 1st edition.4:284.
5. **Shahid S.** Masalekol Afham fi Sharhe sharayol eslam, Ghom, Islamic studies Institutions, 1st Edition 1992;5: 509.
6. **Najafi S.** Javaherolkalam Fi Sharh Sharayo leslam, Beirut , Darahyaeltoras Alarabi, 7th edition 1996; 43: 384.
7. **Ebne Z.** Ghoniyatolnozou Ela Elmia-Al- Osoul Val- Forou Tehran, Jahan Publication, (Bi Ta):621.
8. **Ebne M.** Lesanol Arab, Ghom, Adab Al-Hozeh Publication1984; 2: 497.
9. **Farahidi K.** Al-Ein, Ghom, Manshourat Al Hejreh, 2nd Edition 1899;3: 93.
10. **Tarihi F.** Majmaol Bahrein, Tehran, Mortavi book shop, 3rd publication1995; 2:380
11. **Mahyar R.** Farhang Abjadi, Tehran , Islamic Publication, 1st Edition1989;231.
12. **Ragheb Esfahani H.** Al Mofradat Fi Gharibel Koran, Beiroutm Darolelm , 1st Publication 1991;1: 499
13. **Ghias Al Din Rampuri M.** Ghias alloghat, Tehran, Amir Kabir Publication 1996;1.
14. **Makarem Shirazi N.** Bahous Faghihat alHameh ,Ghom, Emem Ali EbneAbi taleb, 1stedition 2001; 315.
15. **Khamenei SA.** Ajoubatolestefaat, Ghom 1991; 284
16. **Meshkini M.** Mostalahat Feghh, Ghom, Dar al Elm press Institution, 1st edition 1985; 145.
17. **Horre Ameli M.** VasaelolShieh Ela Tahsil MasaelolSharieh, Beirout Dar Ahya Al Tas Al arabi- (Bita): 11: 29-30.
18. **Feizol Eslam S A.** Nahgolbalagheh Translation, Tehran- 3rd edition 2006;47: 423.
19. **Tousi J.** Mostadrekolmasael, ghom, Islamic Publication institution 1994;14: 249-258
20. **Louis M.** Al-Monjed felloaghat and al- Al-Elam, Ghom Esmaeilian Publication, 1st Edition 1983;747
21. **Zaraat A.** Sharheh Ghanoon mojazat, Tehran- 3rd edition 2006; 29-50.
22. **Kalini S.** Forou Kafi, Beirut- Dar altaarof, 3rd Edition1981;3: 206
23. **Tousi AJ.** Altahziabolahkam ,ghom, Islamic Publication institution 1994;1:344
24. **Mousavi Khomeini R.** Toziholmasael ,Ghom, Jameatol Modarresin Publication of Ghom Seminary, 8th Edition: 2: 919
25. **Mousavi Khomeini SR.** Tahrirolvasileh ,Ghom, Darol Elm Press Institution, 2nd edition, p 624
26. **NouriHamedani H.** Almasaelelmostahadesat, Ghom, Mahdi Moud Institution (PBUH) 2002;1: 611
27. **Mohseni MA.** Alfeghh and Almasaeleltebiat, Beirut, Darolahya Altars Alsrabi1999; 1:192
28. **Sabzevari S.** Mohzabol Ahkam , Ghom, the office of Ayatollah sabzevari, 4th edition 1992; 29: 237.
29. **Golpayegani M.** Resaleh Tozihol Masaeah, Ghom, Da Al Qoran Al Karim 1992;3: 243.
30. **Khouei SA.** Menhajol Salehin, Najaf Ashraf, Matbate al Noman, - 28th Edition1978;1: 284.
31. **Sadr SM.** Alfatavi Vazehah, Dar altaarof Lematbouat, Beirut, 8th edition 1983; 282.
32. **Zeinoddin SM.** Kalamatoltaghva, Ghom, Nashr Seyed Javad Vedaei, 1st Publication 1992;4: 463.
33. **Hossini Sistani S.** MenhajolSalehin, Ghom, the school of ayatollah Al-seyyed al Sistani 1992;1: 576.
34. **Hossini Sistani S.** Almasaelelmostakhabat, Ghom , the school of ayatollah Al-Seyyed Al Sistani 9th edition 2001;1: 460.
35. **Tabrizi J.** Serat Al-Nejat ,Ghom, Almontakhab Publication School, 1st edition1995;6: 478
36. **Montazeri H.** ResalatolEstefaat, ,Ghom, Islamic advertizing Office, Ghom Seminary, Publication Center 2001;182.
37. **Ebne- Ghodameh A.** Almoghni Matabato, Almenar Belghahereh 2005;1: 120